

شهربراز

یادداشت‌هایی درباره‌ی تاریخ و فرهنگ ایران زمین

درباره

*** هرگونه استفاده از
جستارهای این وبلاگ تنها پس
از دریافت اجازه‌ی نوشتاری
(کتبی) و ذکر نشانی وبلاگ و نام
نویسنده (شهربراز) آزاد است.

شهربراز چیست؟ کیست؟ کجاست؟
ویکی‌پدیای پارسی | فرهنگ
دهخدا | ویکی‌پدیای انگلیسی |
بیشتر

بازدیدشمار

از شنبه ۲۲/تیر/۱۳۸۷ - **135232**
۲۰۰۸/جولای/۱۲
free counter

زمزمه

**دوش دیوانه شدم، عشق
مرا دید و بگفت:
«آمدم، نعره مزن! جامه مدر!
هیچ مگو!»**
مولانا جلال‌الدین بلخی (سده
هفتم/سیزدهم)

دسته‌بندی موضوعی

- (88) ادبیات
- (9) تاجیکستان
- (119) تاریخ باستان
- (78) تاریخ معاصر
- (59) تاریخ میانی
- (17) -

عبدالرحمان عطیه و ریشخند تاریخ

Tuesday
May
2010, 11

سه‌شنبه ۲۱/اردیبهشت/۱۳۸۹ - ۱۱/می/۲۰۱۰

وقتی نشریه‌ی آلمانی اشپیگل در ویژه‌نامه‌ی خود «مفهوم‌های کلیشه‌ای»
مانند تاریخ ایران و هویت ایرانی را انکار می‌کند و می‌گوید ایران از
زمان ایلیخانان مغول ایران شد و دیگر مرکزهای «پژوهشی» هم
درباره‌ی زبان و تاریخ ایران حرف‌های بی‌پایه‌ی مشابهی را تکرار
می‌کنند نتیجه‌ای ندارد جز گستاخ شدن برخی از نوکیسگان و نودولتان
و تازه به دوران رسیدگانی که بیست سی سال از به
اصطلاح «استقلال»شان نمی‌گذرد.

دیروز (دوشنبه ۲۰/اردیبهشت/۱۳۸۹ برابر ۱۰/می/
۲۰۱۰) «عبدالرحمان بن حمد العطیه»، دبیر کل شورای همکاری
کشورهای خلیج فارس، در سخنان گستاخانه و احمقانه‌ای در گفت‌وگو با
روزنامه‌ی عربی الحیات (چاپ لندن) گفت که

حضور فارس‌ها در اطراف خلیج فارس تنها از
زمان دولت صفویان یعنی نزدیک به پنج قرن
آغاز شده است اما «کشورهای» (!) عربی از
بیش سه هزار سال پیش در کنار خلیج فارس
حضور داشتند!! بنابراین گفتن واژه‌ی خلیج
فارس «ریشخند کردن تاریخ» است.

(خبر در [سایت تابناک](#) و نیز [متن اصلی](#) خبر به زبان عربی در الحیات.)

- (7) خاقانی
- (83) روزانه
- (148) زبان
- (9) سعدی
- (3) غرولند
- (31) فردوسی
- (109) فرهنگ
- (13) فیلم
- (85) کتاب
- (9) موسیقی
- (14) نظامی گنجه ای
- (25) واژه‌سازی
- (39) پانترکان

بایگانی

▼ 2010 (19)

▼ May (5)

عبدالرحمان عطیه و ریشخند
تاریخ

نامه‌ای از سیدحسن تقی زاده
حکومت هزار ساله‌ی ترکان بر
ایران؟ - دروغی تاریخی

معرفی نزهه المجالس

پاسخی به «واقعیت و توهم
«ابرقدرتی باستانی»

▶ April (4)

▶ March (3)

▶ February (3)

▶ January (4)

▶ 2009 (113)

▶ 2008 (190)

▶ 2007 (150)

▶ 2006 (27)

▶ 2005 (8)

▶ 2004 (5)

پیوندها

زبان

- فرهنگ دهخدا

درباره‌ی دیرینگی نام خلیج فارس آن قدر منبع هست که برشمردن آن خود کتابی جداگانه است. اما تنها توجه این عرب بی‌سواد و ناآگاه را به کتاب «مقدمه» نوشته ابن خلدون، دانشمند تونس‌ی (اندلسی تبار) سده‌ی هشتم ق. / چهاردهم م. جلب می‌کنم: (ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، چاپ نخست ۱۳۳۶ خ / چاپ دهم زمستان ۱۳۸۲ خ / ۲۰۰۳ م. انتشارات علمی و فرهنگی):

باب یکم، مقدمه‌ی دوم

این را دریای فارس می‌نامند و از سوی خاور سواحل هند و مکران و کرمان و فارس بر آن واقع است و از سوی باختر سواحل یمن و عمان. ... در میان دریای فارس و قُلزُم [دریای سرخ] جزیره‌ی العرب واقع است. (جلد ۱ ص ۸۶)

منبع رود دجله نیز از چشمه‌ای است که در بلاد خِلاط ارمنستان واقع است و در سمت جنوب از موصل و آذربایجان و بغداد تا واسط می‌گذرد و سپس به شاخه‌های گوناگونی منشعب می‌شود که همه‌ی آنها در دریاچه‌ی بصره می‌ریزند و سرانجام به دریای فارس منتهی می‌گردد. (ص ۸۷)

واقعیت و ریشه‌ی داستان تلاش برای تحریف نام خلیج فارس به دهه‌ی ۱۹۶۰ م / ۱۳۴۰ خ. برمی‌گردد. ابن خلدون در همان باب دوم کتاب «مقدمه» چنین می‌نویسد:

فصل ۲۵: در این که قوم عرب تنها بر سرزمین‌های همواره و جلگه‌های غیرکوهرستانی دست می‌باید.

زیرا این قوم بر حسب طبیعت وحشیگری که

- شورای گسترش زبان پارسی
- واژه‌نامه‌ی دکتر محمد حیدری ملایری
- فرهنگ پارسی به انگلیسی / انگلیسی به پارسی
- ریشه‌شناسی واژه‌های انگلیسی
- واژه‌نامه‌های فرانسه/انگلیسی
- معنای نام‌ها - غیر ایرانی
- معنای نام‌ها - ایرانی
- **دین**
- اوستا و دیگر نوشته‌های زرتشتی
- کتاب مقدس
- یهودیان/مسیحیان (Bible)
- قرآن
- **تاریخ و فرهنگ**
- دانش‌نامه‌ی ایرانیکا
- پایگاه تاریخ ایران - دکتر خنجی
- پروژه‌ی ساسانیکا - دکتر تورج دریایی
- پایگاه استاد ریچارد نلسون فرای
- وبگاه دکتر کاوه فرخ
- کانون پژوهش‌های ایران باستان
- تبدیل تقویم خورشیدی/قمری/میلادی
- تاریخ ایران و جهان در چنین روزی
- آذرگشنسب
- بنیاد فرهنگ ایران
- بنیاد نیشابور
- کمیته‌ی نجات پاسارگاد
- وبگاه مرتضی ثاقب فر
- **کتاب**
- پان‌ترک‌گرایان و آذربایجان - دکتر کاوه فرخ
- اصلاح زبان ترکی: کامیابی فاجعه‌آمیز - جفری لوییس
- ری‌را: دیوان‌های شاعران بزرگ
- پرسوپیدیا: دیوان‌های شاعران بزرگ

دارند به غارتگری و خرابکاری عادت گرفته‌اند و بی آن که آهنگ غلبه و جهانگیری داشته باشند یا به کارهای پرمخاطره‌ای دست یازند به آنچه دسترسی پیدا کنند آن را به غارت می‌برند و به بیابان‌های خشکی که جایگاه‌های چادرنشینی آنان است می‌گریزند. هم چنین آنان به لشکرکشی و جنگ اقدام نمی‌روند مگر هنگامی که ناچار شوند از خود دفاع کنند. چنان که هر دژ تسخیرناپذیری را که مانع آنان باشد رها می‌کنند و به تسخیر ده‌هایی می‌پردازند که استحکامی ندارند. و با کارهای دشوار روبرو نمی‌شوند و اقوام و قبایلی که در منطقه‌های کوهستانی به سر می‌برند و رفتن بادیه‌نشینان به مساکن آنان دشوار است از دستبرد خرابکاری و غارت اعراب بادیه‌نشین در امان اند زیرا ایشان از کوه‌ها و ارتفاعات بالا نمی‌روند و به کارهای پرمشقت و دشوار اقدام نمی‌کنند و با مخاطرات روبرو نمی‌شود. (جلد ۱ ص ۲۸۵)

داستان از این قرار بود که در دهه‌ی ۱۹۶۰ م./۱۳۴۰ خ. جنبش «پان‌عربی» پا گرفت و در همان دهه در تابستان سال ۱۹۶۷ م/۱۳۴۶ خ. سه قدرت نظامی عرب آن زمان یعنی مصر و سوریه و اردن تصمیم گرفتند دولت اسرائیل را نابود کنند و فلسطین را پس بگیرند. اما در این جنگ که شش روز بیشتر به درازا نکشید و از همین روی به «جنگ شش روزه» مشهور است این کشورهای عربی - که از پشتیبانی عراق و عربستان سعودی و سودان و تونس و مغرب (مراکش) و دیگران - بهره‌مند بودند چنان شکستی از اسرائیل خوردند که آثار روانی آن هنوز نیز برجاست.

- پارسی‌گو
- ری-سنت: شاهنامه‌ی فردوسی، دیوان شمس، غزلیات سعدی، حافظ مثنوی معنوی و دیوان شمس در کتابخانه‌ی تصوف
- پروژہ‌ی گوتنبرگ - کتابخانه‌ی رایگان
- کتاب‌های رایگان پارسی
- کتاب‌های رایگان پارسی - ۲

وبلاگ‌ها

- کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی - دکتر جلیل دوست‌خواه
- سخن - یادداشت‌های ابوالفضل خطیبی
- سرای زبان - دکتر محسن حافظیان
- اسواران - ارتش‌های ایران باستان
- وبلاگ روزنامک
- رضا مرادی غیاث آبادی
- ایران‌نامه - دکتر شاهین سپنتا
- Persepolis Fortification Archive Project
- آسمانه ایران کهن
- تاریخ و فرهنگ ایران باستان - داریوش احمدی
- تاریخ و فرهنگ ایران باستان - وبلاگ قدیمی
- کارزار با پان ترکیسم - یاشاسین ایران
- شمس تبریز
- تریبون آزاد پان ایرانیست در خوزستان
- جام جم - رامین
- سحرگاهان - وبلاگ محمد جلالی چیمه (م. سحر)
- مینوی خرد - آرزو رضایی
- لوگوس - حمید حیاتی
- زبان و ادبیات فارسی (آریا ادیب)
- سرای دانای توس
- ایران، تاجیکان
- عاقلان دانند - وبلاگ



جمال عبدالناصر - رهبر پان عرب مصر و از گسترش‌دهندگان نام جعلی برای خلیج فارس

جمال عبدالناصر، رئیس کشور مصر، برای جبران این شکست و برای گمراه کردن توجه عرب‌ها از این آبروریزی و برای تقویت روحیه‌ی همدلی در میان کشورهای عربی تصمیم گرفت داستان نام جعلی برای خلیج فارس را گسترش داد. حتا در نقشه‌ای که پانزده سال پیش از این جریان در عربستان سعودی در سال ۱۹۵۲ م. منتشر شده است نام این خلیج به درستی خلیج فارس آمده است:



خلیج فارس در نقشه‌ی چاپ عربستان سعودی - سال ۱۹۵۲ م.

هم چنین ن. ک. [مطلبی در وبگاه دکتر کاوه فرخ](#) درباره‌ی همین داستان.

- آنرآبادگان من
- فصلنامه ی فروش

پارسی را پاس بداریم



- تهاجم به هویت ایرانی
- نام زبان ما به انگلیسی چیست: Persian یا Farsi یا ؟
- شتر مرغ زبانی
- پارسی‌مان: سرای زبان پارسی
- ویندوز پارسی میکروسافت
- مرورگر فایرفاکس پارسی

از آن زمان به بعد عرب‌های نوکیسه که از ثروت بادآورده‌ی نفت پولی به دستشان رسیده شروع کردند به خرج هزینه‌های هنگفت برای تغییر نام این خلیج. کسی نیست به آنها بگوید شما اگر خیلی زورتان می‌رسد بروید فلسطین را از دست اسرائیل پس بگیرید. طی هشت سال جنگ تحمیلی و تجاوز عراق که تمام کشورهای عربی - حتا یاسر عرفات و دیگران - از او پشتیبانی می‌کردند صدام نتوانست یک وجب از خاک پاک ایران را بگیرد و ملت دلیر ایران از هر قوم و زبان و به ویژه ساکنان خوزستان (لرهای بختیاری و عرب‌های ایرانی) به آنها ثابت کردند که «هر بیشه گمان مبر نهالی است - شاید که پلنگ خفته باشد».

اگر ایران و ایرانیان نبودند آنچه این عرب‌ها امروزه به نام «تمدن اسلامی» (یا بدتر: تمدن عربی!) لاف آن را می‌زنند کجا بود. در این باره هم باز توجه ایشان را به بخش دیگری از نوشته‌های ابن خلدون در کتاب «مقدمه» جلب می‌کنم:

باب دوم فصل ۲۶: در این که هر گاه قوم عرب بر کشورهایی دست یابد به سرعت آن ممالک رو به ویرانی می‌روند زیرا تازیان ملتی وحشی اند و عادت و موجبات وحشیگری چنان در میان آنان استوار است که همچون خوی و سرشت ایشان شده است. و این خوی برای ایشان لذت‌بخش است زیرا در پرتو آن از قیود فرمانبری حکام و قوانین سرباز می‌زنند و نسبت به سیاست کشورداری نافرمانی می‌کنند و پیداست که چنین خوی و سرشتی با عمران و تمدن منافات دارد. ... اگر از آغاز خلقت به کشورهایی نگاه کنیم که تازیان آنها را با جهانگشایی و زور متصرف شده‌اند خواهیم دید چه گونه عمران و تمدن از آن ممالک رخت بر بسته ... کلیه‌ی عمران و تمدن عراق عرب - که ایرانیان به وجود آورده بودند - تازیان از میان بردند. (جلد ۱ ص ۲۸۵)

باب ششم فصل ۱۳

ایرانیان بر شیوه‌ای بودند که به علوم عقلی اهمیت عظیم می‌دادند و دایره‌ی آن علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود زیرا دولت‌های ایشان در منتهای پهنای و عظمت بودند. و هم گویند این علوم پس از آن که اسکندر دارا [=داریوش سوم هخامنشی] را کشت و بر کشور کیانیان غلبه یافت از ایرانیان به یونانیان رسید. (جلد ۲، ص ۱۰۰۲)

باب ششم فصل ۳۶: در این که بیشتر دانشوران اسلام ایرانیان بودند.

از شگفتی‌هایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام خواه در علوم شرعی و چه در دانش‌های عقلی، به جز موارد نادری، عجم [=ایرانی] بودند. اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث نژاد عرب اند از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ و استادان، عجمی [=ایرانی] هستند. (جلد ۲، ص ۱۱۴۸)

باب پنجم فصل ۲۱: در این که تازیان از همه‌ی مردم از صنایع دورتر اند.

در صنایع (فنون) شهرنشینان ممارست می‌کنند و عرب از همه‌ی مردم دورتر از صنایع است. علوم هم از آیین‌های شهریان به شمار می‌رفت و عرب هم از آن‌ها و بازار رایج آن‌ها دور بود و در آن عهد مردم شهری عبارت بودند از عجمان [=ایرانیان] یا کسانی که مشابه آنان بودند از قبیل موالی و اهالی شهرهای بزرگی که در آن روزگار در تمدن و کیفیات آن مانند صنایع و پیشه‌ها از ایرانیان تبعیت می‌کردند. چه ایرانیان

به سبب تمدن راسخی که از آغاز تشکیل دولت
فارس [پیش از زمان اسکندر=هخامنشیان]
داشته‌اند بر این امور استوارتر و تواناتر بودند.

ترجمه‌ی انگلیسی کتاب «مقدمه»ی ابن خلدون را می‌توانید در [این](#)
[نشانی](#) بخوانید.

این دشمنی و کینه‌ی برخی از عرب‌ها با ایران و فرهنگ ایرانی
پیشینه‌ی تاریخی دارد. برای نمونه پس از آن که عباسیان توانستند با
یاری ایرانیان دولت نژادپرست اموی را براندازند و برای خودشان
دولت تازه‌ای برپا کنند، منصور عباسی با خدعه و نیرنگ سردار
ایرانی ابومسلم خراسانی را کشت. دوران طلایی عباسیان دوران
هارون الرشید بود و هارون نیز دولت خود را مدیون خاندان ایرانی
برمکیان بود. اما هارون که از قدرت گرفتن خاندان ایرانی برمکیان
ترسیده بود جعفر برمکی را با حيله و بهانه‌ای واهی (داستان ازدواج
جعفر و عباسه) به کشتن داد و برادرش را از کار برکنار کرد. این کینه
را حتا پس از گذشت هزار سال هنوز هم در کارتون «علاءالدین»
ساخته‌ی کارخانه‌ی امریکایی والت دیزنی هم می‌توان دید که در آن
جعفر برمکی به صورت مرد پلیدی تصویر شده که با جادو به دنبال
قدرت گرفتن است!

پس از هارون نوه‌اش معتصم (فرزند مامون)، برای این که نفوذ
ایرانیان را در دستگاه خلافت خویش کم کند دست به دامان غلامان
ترک شد و پس از چندی به خاطر این بی‌تدبیری، دولت عباسی
بازبچه‌ی دست غلامان ترک شد. نمونه‌ی دیگر از این بی‌تدبیری
عرب‌ها در مصر تکرار شد که نخست غلامان ترک را در سپاه خود
پذیرفتند. اندک اندک این غلامان (بردگان خریده یا در عربی: مملوک)
قدرت گرفتند و دولت «ممالیک» یا مملوکان را پدید آوردند. پس از آن
هم مملوکان را ترکان عثمانی برانداختند و سرزمین‌های عربی زیر
دست ترکان عثمانی افتاد. اگر تامس ادوارد لورنس، افسر انگلیسی، و
نقشه‌های بریتانیا و دیگر قدرت‌های اروپایی برای فروپاشی و تجزیه‌ی

دولت عثمانی نبود هنوز هم این عرب‌ها در بیابان‌هایشان زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند کشور چیست که بخواهند پز کشور داشتن را به ما بدهند. بد نیست نگاهی به تاریخ «استقلال» این «کشورهای» عربی کنار خلیج پارس بیاندازیم:

عربستان سعودی: ژانویه ۱۹۲۶ م. (از بریتانیا)
 عراق: اکتبر ۱۹۳۲ م. (از بریتانیا)
 کویت: ژوئن ۱۹۶۱ م. (از بریتانیا)
 قطر: سپتامبر ۱۹۷۱ م. (از بریتانیا)
 بحرین: دسامبر ۱۹۷۱ م. (جدایی از ایران)
 امارات عربی: دسامبر ۱۹۷۱ م. (از بریتانیا)

باید پرسید کدام سخن ریشخند تاریخ است؟

جالب آن که با این همه ادعا، به خصوص در همین کشور عربستان، هنوز زنان شناسنامه و کارت هویت مستقل ندارند بلکه در شناسنامه‌ی پدر یا همسر خود به ثبت می‌رسند. تازه همین هشت سال پیش (دسامبر ۲۰۰۱) بود که به زنان خود حق شناسنامه داشتن دادند آن هم به زنانی که ۲۲ سال سن داشته باشند و پدر یا قیم قانونی‌شان رضایت کتبی داده باشد. این هم متن خبر در بی.بی.سی انگلیسی. و باز همین سال گذشته بود که با هزاران فشار پذیرفتند که زنان حق رانندگی داشته باشند آن هم به شرط این که شوهر یا برادر یا مرد دیگری از بستگان درجه یک همراه او باشد و تنها بین ساعت‌های خاصی از روز اجازه‌ی رانندگی در خیابان‌های شهر (و نه بزرگراه و بیرون شهر) را دارند و هزار شرط و اما و اگر.

زبونی و بیچارگی و تهیدستی فرهنگی و تاریخی این «کشورهای» عربی به حدی است که در موزه‌ی شهر دوبی جنازه‌ای را که معلوم نیست به چه زمانی تعلق دارد و در کدام بیابان یافت شده به نمایش گذاشته‌اند و زیر آن نوشته‌اند متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش!!! بلکه بدین ترتیب برای خود سابقه‌ای درست کنند.



اسکلتی سه هزار ساله (!) در موزه‌ی شهر دوبی در «کشور» امارات عربی

از سوی دیگر، بادگیرهای ایرانی را که ایرانیان ساکن محله‌ی بَسْتِکِی‌های دوبی (بستک از شهرهای استان بوشهر است) به یاد میهن خود برای خانه‌هایشان ساخته‌اند با زبان الکن خود «برجیل» نامیده‌اند و می‌خواهند آن را به نام معماری دوبی به دیگران قالب کنند.

تاراج و غارت فرهنگ ایران کار روزمره‌ی «کشورهای» عربی شده است. نمونه‌ی دیگر آن باز در همین شهرک نوکیسه‌ی ابوظبی در «کشور» امارات روی داده است. شیخ‌های بینوای امارات به موزه‌ی لوور پاریس چندین میلیارد دلار پول داده‌اند تا در این بیابان شعبه‌ای از موزه‌ی لوور برپا شود. دولت‌ها و موسسه‌های کاسبکار اروپایی نیز که برایشان پول بیش از هرچیز دیگر اهمیت دارد به ویژه وقتی مربوط به تاریخ و سرزمین خودشان نباشد و بتوانند آتش نفاق و کینه را در این منطقه روشن کنند و با توجه به اوضاع خراب مالی و اقتصادی کشورهای غربی از خداخواسته پذیرفتند. خدا می‌داند در این موزه قرار است چه چیزهایی از تاریخ جهان به نام عرب‌ها ثبت شود.

نوشته‌ی شهربراز | ساعت: 7:41 AM | پیوند دایمی

0 نظر داده شده | نظردهی

دسته‌بندی تاریخ معاصر , تاریخ میانی , روزانه

0 نظر:

[Post a Comment](#)

پیوند دائمی

[ایجاد پیوند به این نوشته](#)

[صفحه‌ی اصلی](#)

[نوشته‌های قبلی](#)

(Subscribe to: [Post Comments \(Atom\)](#))